

نظام تحول در هنر معماری اسلامی آسیای مرکزی

در قرون دهم و یازدهم هجری قمری

(با تکیه بر برخی نمونه‌های بارز این دوران)

دکتر آناهیتا مقبلی^۱

چکیده

معماری اسلامی، عناصر زیبایی شناسانه معماری را با آموزه‌های اصیل معنوی و الهی در خود جای داده است؛ البته این هنر با توجه به تحولات هر دوره و منطقه، دارای شاخصه‌های متفاوتی می‌شود که بوسیله این ویژگی‌ها از دیگر دوران جدا می‌شود. این نوشتار، معماری اسلامی آسیای مرکزی و تحولات آن را در ابتدای سده شانزدهم / دهم تا اواخر سده هفدهم / یازدهم مورد توجه قرار داده است و در این راستا به بیان فشرده تاثیر اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آسیای مرکزی در دوران یاد شده، می‌پردازد.

از معضلات عمده که مانع پیشرفت پژوهش در معماری اسلامی می‌شود، می‌توان به عدم دسترسی به همه بناهای عمده تاریخی اشاره نمود. برای گزینش نمونه‌های مورد بحث در این مقاله بر برخی گونه‌های پراهمیت معماری اسلامی هم چون مدارس و مساجد تاکید شده است.

روش این پژوهش با توجه به نوع نگاه علمی آن و همچنین ابعاد اجتماعی دوران فوق الذکر، تاریخی تحلیلی می‌باشد.

هدف اصلی مقاله: مطالعه تحولات هنر معماری اسلامی و ویژگی‌های آن در آسیای مرکزی قرون شانزدهم و هفدهم / دهم و یازدهم.

سوال اصلی مقاله: شباهت‌ها و تفاوت‌های بارز میان آثار هنر معماری اسلامی در آسیای مرکزی قرون شانزدهم و هفدهم / دهم و یازدهم چیست؟

دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد در آسیای مرکزی سده شانزدهم / دهم استفاده از روش‌های سنتی متناظر از دیدگاه‌های عرفان اسلامی و همچنین روش‌های نوین، بیشتر در ساخت مساجد و مدارس کاربرد داشته ولی در بناهای عمومی، بیشتر تمایل بر ساخت بناهایی با روش نوین بوده است.

در نیمه دوم سده شانزدهم / دهم، در تزیینات از مواد نسبتاً ارزان و کم‌زحمت تزیینی مانند گچ سفید و رنگ استفاده شده است.

به طور کل، معماری سده هفدهم / یازدهم در آسیای میانه دچار رکورد گردید و بیشتر به تزیینات بناها توجه نشان داده شده است.

واژه‌های کلیدی: "تحولات معماری اسلامی"، "تزیینات معماری آسیای مرکزی"، "سده شانزدهم / دهم"، "سده هفدهم / یازدهم".

۱ دانشیار گروه علمی هنر، دانشگاه پیام نور، دکتری تخصصی پژوهش هنر (نویسنده مسئول) a_moghbeli@pnu.ac.ir
این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان 'بررسی اوضاع هنری آسیای میانه' است که با حمایت مالی دانشگاه پیام نور انجام شده است.

۱. مقدمه

آثار معماری هر منطقه، معرف فرهنگ و تمدن مردمان آن و دستاورد تلاش متمدنی هنرمندانی است که با اعتقاد و ایمان و ابتکار در تکامل و توسعه هر چه بیشتر معماری، به ویژه در دوران اسلامی، مشتاقانه کوشیده اند.

در بسیاری از مجموعه‌های معتبر معماری که به معرفی بناهای شاخص جهان می‌پردازند، آثار بی شماری می‌توان یافت که تحت عنوان معماری اسلامی دسته بندی شده اند. به عنوان مثال در این زمینه می‌توان به کتاب مشهور معماری مشرق زمین اشاره کرد. بیش از نیمی از محتوای کتاب به معرفی آثار ارزشمند معماری اسلامی اختصاص یافته است. بنابراین می‌توان معماری اسلامی را آئینه ای دانست که آموزه‌های اصیل، معنوی و الهی حکمت اسلامی را در خود به ودیعه نهاده است. [۱]

شناخت و درک آموزه‌های معنوی و باورهای فرهنگی، زیربنای برپایی یک معماری ارزشمند و پویاست. بدون آگاهی از بنیان‌های اندیشه و زیرساخت‌های اجتماعی، شگفتی‌های پر شکوه معماری اسلامی قابل بازشناسی نیستند. و این برداشت نا آگاهانه که معماری اسلامی مستقل از معنویت و حکمت است راه را بر تعالی و رشد آن می‌بندد. "معماری کهن و پر رمز و راز ایران زمین (اسلامی)، بی ادب و فرهنگ مردمانی که خشت و رنگ آن را پایدار داشته اند، مقدور نمی‌شود" [۲]

آسیای مرکزی به عنوان بخشی پرارزش از سرزمین‌های اسلامی، یادگاری‌های باارزشی از معماری این دوران را در خود جای داده که شناخت آن‌ها مبین این واقعیت است که معماران، هنرمندان و استادکارانی چیره دست با سبک‌های گوناگون و نقشه‌های متفاوت و تزیینات باشکوه، هنرشان را با عشق و جذب در آمیخته اند.

این پژوهش از جمله پژوهش‌هایی نیست که صرفاً با رویکردهای کالبد محور به هنر اسلامی و تقلیل هنر اسلامی به معماری کشورهای مسلمان بنگرد و به جنبه‌های مهم معنوی و حکمی معماری اسلامی بی توجه باشد چرا که "اندیشه محوری در خلق معماری اسلامی، اصول معنوی و روحانیت پنهان در ارتباط میان معمار، معماری و مخاطب بوده است." [۱]

گرچه هنر اسلامی "لزوماً برگرفته از آیات و روایات نیست، هنر اسلامی خود را بی نیاز از آن نمی‌داند، قداست هنر اسلامی در فرم آن نیست، بلکه در صورت آن است. هنر اسلامی، هنر دولت‌ها و سرزمین‌های اسلامی نیست. خلق هنری در اسلام، بازتاب حسن فعلی و حسن فاعلی

است. [۳] در این راستا پژوهش پیش رو آگاهانه به یکی از مبادی و رویکردهایی پرداخته است که از نقطه نظر تاریخی و براساس ویژگی‌های بیرونی - بناهای معماری اسلامی آسیای میانه، - تحلیلی ارائه می‌دهد که مهر تایید بر شالوده اصلی معماری اسلامی علی‌الخصوص معماری اسلامی در آسیای میانه می‌زند. گرچه این هنر، پیوسته در ارتباط با مسائل گوناگون، به ویژه علل مذهبی و سیاسی، توسعه و تکامل یافته و یا به قهقرا رفته است اما در نهایت با ویژگی‌های خاص تفکری خود قابل پیگیری و شناسایی است.

اتینگهاوزن خاطر نشان می‌کند: بنا بر نظر محققان اسلامی در سال‌هایی دورتر که مقارن با حکومت ترکان سلجوقی در ایران و آسیای مرکزی است. هنر اسلامی از سه مشخصه اصلی متأثر بوده است که مهم ترین آن‌ها در حوزه مذهب است. [۴]

معماری اسلامی دارای ویژگی‌هایی است که در مقایسه با معماری دیگر مناطق از ارزشی به خصوص برخوردار است: ویژگی‌هایی چون طراحی متناسب، فرم درست پوشش، ایوان‌های رفیع، ستون‌های بلند و بالاخره تزیینات گوناگون که هر یک در عین سادگی معرف شکوه معماری اسلامی و مبین معنویت پنهان در آن است.

گرچه هپلن براندر در کتاب معماری اسلامی، مسجد را جلوه کلیه رمز و رازهای معماری اسلامی و قلب این معماری می‌داند و معتقد است: «از همان ابتدا نقش نمادین آن از سوی مسلمانان دریافت شد و سهم خود را در خلق شاخص‌های بصری مناسبی برای این بنا باز کرد». [۵] ارتباط معماری با دین در اسلام - هنری است که - نه تنها در اماکن دینی پراهمیتی چون مساجد مورد استفاده قرار گرفته، بلکه از آن در مدارس، مقابر و دیگر بناها نیز بهره گرفته شده، از این رو بررسی ابنیه مختلف معماری اسلامی در پهنه گسترده جهان اسلام می‌تواند دریچه‌ای به روی دیدگاه‌ها و هویت خاص منطقه باشد.

۲. آسیای مرکزی سده شانزدهم / دهم

۱-۲ مطالعه اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آسیای مرکزی در سده شانزدهم / دهم

سال‌های پایانی سده پانزدهم / نهم در تاریخ جهان، آسیای مرکزی و ایران زمین با چند واقعه بسیار مهم به پایان رسید: پایان قرون وسطی در اروپا و روسیه و آغاز عصر رنسانس؛ پایان حکومت تیموریان در ماوراءالنهر و آسیای مرکزی و ظهور حکومت شیبانیان در آن منطقه؛ پایان

پیوستگی سیاسی ماوراءالنهر و آغاز جدایی آن از ایران. هر کدام از پدیده‌های فوق، در روند کلی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران، تأثیراتی شگرف برجای گذاشت. اگر در اروپا و روسیه، قرون وسطی به پایانش رسید و عصررنسانس و تحولات علمی و اجتماعی آغاز شد، برعکس در ماوراءالنهر عصر درخشش علم و فرهنگ جایش را با انحطاط عظیم علمی و فرهنگی عوض کرد. سرزمینی که روزی بوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی و امثالهم را در دامن خود پروانیده بود، از این تاریخ به بعد در چنان تاریکی ای فرورفت که مردم برای درمان کوچک‌ترین بیماری به سحر و جادو پناه آوردند.

هرچند حکومت تیموریان با سرداری تیمورلنگ با جنگ و خونریزی کارشان را آغاز کرده بودند،^۱ فرزندان و نوادگان تیمور به جای ویرانی‌های وی، دست به آبادانی و ترویج علم و فرهنگ زدند^۲ و مکتب بزرگ هرات، والاترین خدمت را در عرصه‌های گوناگون به جامعه جهانی عرضه نمود؛^۳ اما با ظهور شییبانیان ازبک و درگیری‌های متوالی آنان در ماوراءالنهر، علاوه بر اینکه ماوراءالنهر از ایران جدا گردید، بدترین شکل حکومت‌داری ترکان نیز در منطقه به نمایش گذاشته شد. از سده شانزدهم/دهم به بعد چراغ فرهنگ و تمدن ایرانی در ماوراءالنهر کم‌کم به سوسوی مبدل گشت و ایرانیان ماوراءالنهر (تاجیکان) عملاً کمترین نقشی را در روند کلی منطقه ایفاء نکرده و کوشش‌های دولت صفویان و سپس نادر شاه برای پیوستگی مجدد این منطقه به ایران، نتیجه‌ای نبخشید.

در اوایل سده شانزدهم/دهم، صفویان دولت مقتدر شیعی را در ایران بنیان نهادند که نه فقط برای کشور ایران بلکه برای همسایگان و عموماً جهان خارج، واقعه بسیار مهمی تلقی شد. [۹] در همین ایام، گروهی از ترکان بادیه‌نشین در ماوراءالنهر حکومت جدیدی را آغاز کردند که با نام مؤسس آن «شییبانی» معروف شد.^۴

این دولت نوخیز، دولت تیموریان را از ماوراءالنهر بیرون راندند، بارها به ایران هجوم آورده و در خراسان مشکلاتی برای دولت صفوی ایجاد کردند و کشمکش‌ها و جنگ‌ها، میان صفویان و شییبانیان هم چنان تا سال‌های چهلم سده شانزدهم/دهم ادامه داشت.

شییبانیان، گروهی از ازبکان بودند. مؤسس این سلسله، محمد شییبانی خان از اعقاب جوجی، پسر بزرگ چنگیزخان مغول بود. محمد شییبانی توانست در سال ۹۰۸/۱۵۰۰ بدون جنگ و خونریزی سمرقند را به تصرف کند. مدتی بعد، اعیان و اشراف سمرقند دروازه شهر

را به روی بابر گشودند و از این پس، بابر شاهزاده جوان تیموری و مؤسس آینده دولت تیموریان هند، حریف اساسی شییبانیان گردید. در جنگی که در سال ۹۰۹/۱۵۰۱ در ساحل زرافشان به وقوع پیوست، بابر شکست خورد و به سمرقند عقب نشینی کرد و شییبانیان ازبک، سمرقند را ماه‌ها محاصره کرده و بابر مجبور به ترک سمرقند شد. جنگ میان شییبانیان و تیموریان مدت‌ها ادامه یافت و شییبانیان علاوه بر سمرقند و بخارا، تاشکند و فرغانه را هم به تصرف خویش درآوردند. در سال ۹۱۴/۱۵۰۶ شییبانیان به خراسان حمله کرده و تمام اعضای خانواده تیموری به جز بابر و بدیع الزمان را قتل عام نمودند. [۱۰]

از سال ۹۲۰/۱۵۱۲، ماوراءالنهر در اختیار شییبانیان قرار گرفت و در تمام شهرها، به نام ایشان سکه ضرب کردند. البته در سال ۹۱۳/۱۵۰۵ خوارزم نیز از سوی شییبانیان اشغال گردیده بود. شییبانیان سعی کردند خراسان و هرات را به حکومت خود ملحق نمایند، به همین علت سه بار هرات را اشغال کردند ولی هیچ‌گاه نتوانستند این شهر را برای خویش نگه دارند. [۱۰] در سال ۹۹۱/۱۵۸۳ عبدالله خان دوم بر تخت فرمانروایی شییبانیان تکیه زد و توانست دولت متمرکزی به وجود آورده و زمینه را برای ساخت و تعمیر راه‌ها، پل‌ها، کاروانسراها و نیز رشد اقتصادی فراهم نماید. در سال ۱۰۰۷/۱۵۹۸ با وفات عبدالله خان دوم، پسرش عبدالؤمن که فردی بی‌تدیرو سفاک بود، بر تخت نشست و پس از شش سال حکومت به هلاکت رسید. آخرین پادشاه شییبانی، پیرمحمد خان دوم بود که در نزاع‌های داخلی شییبانیان کشته شد. بدین ترتیب حکومت شییبانی که با شروع سده شانزدهم/دهم فرمانروایی خویش را آغاز کرده بودند، با پایان این قرن به آخر رسیدند [۱۰]

همانگونه که گفتیم، جنگ‌های خارجی و نزاع‌های داخلی که تا سال‌های چهلم قرن شانزدهم/دهم به شدت ادامه داشت، بیش از پیش موجب انحطاط فکری، علمی، اجتماعی و اقتصادی و بازرگانی ماوراءالنهر شد

جنگ‌های شییبانی با صفوی که ظاهر مذهبی داشت، موجب فشار بیش از حد به پیروان مذاهبی شد که مخالف مذهب حاکم بودند. صفویان، شیعی مذهب بودند و شییبانیان ازبک، سنی مذهب.^۵ یازده سال سلطنت محمد شییبانی خان، سال‌های بسیار دردناکی برای شیعیان قلمرو او بود. پس از غلبه شاه اسماعیل، نوبت مصیبت و بدبختی سنیان رسید که در این نزاع‌های مذهبی، بسیاری از شیعیان و سنیان کشته شدند.^۶

نفوذ روحانیون، به خصوص دو طریقه معروف «نقشبندیه»^۷ و «کبرویه»^۸ در این دوره در آسیای مرکزی بسیار زیاد بود؛ [۱۵] در این دوره، بخارا به مرکز دینی مسلمانان منطقه تبدیل شد و از این شهر، مبلغان مذهبی به سوی قفقاز و سیبری فرستاده می‌شدند.

شایان ذکر است که در سده شانزدهم/دهم آثار علمی قابل توجهی تألیف نشد. در این زمان، جنگ‌های ممتد و نیز وجود حاکمان نالایق، زمینه‌ای برای رشد و پیشرفت علم در ماوراءالنهر باقی نگذاشت؛ هرچند در نیمه دوم سده شانزدهم/دهم در ماوراءالنهر مدارس بسیاری تأسیس شد، اما فقط علوم دینی تدریس می‌شد^۹ و آموزش علوم، ریاضی و طب فقط از طریق مطالعه کتب پیشین امکان پذیر بود. این امر را به این نکته رهبری می‌کند که علوم غیردینی یاد شده، فقط برای رفع نیازهای روزمره مانند درمان و تسکین بیماری‌ها و یا برای حساب دفتر دیوان‌ها، خراج‌ها و مالیات‌ها و یا امثال وقف و یا برای تعیین ماه رمضان و اوقات شرعی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

۲-۲ معماری سده شانزدهم/دهم در آسیای مرکزی

به علت وضعیت جنگی در نیمه اول سده شانزدهم/دهم، شهرسازی و معماری در آسیای میانه از رونق افتاد و چه بسا به آثار معماری قرون قبل نیز خسارتی وارد آمد؛ [۱۶] اما در نیمه دوم سده شانزدهم/دهم به ویژه در دوره عبدالله خان دوم،^{۱۰} معماری و ساختمان سازی از نوردی رو به رشد یافت و احداث بناها گسترش یافت؛ خصوصاً ساختن عمارت‌های دولتی، فرهنگی و شخصی که از ویژگی‌های خاص این دوره به شمار می‌روند. ساختن پل‌ها، شاهراه‌ها و مسیرهای کاروان رو، سردابه‌ها، کاروانسراها، حمام‌ها و تجارت‌خانه‌ها، مدرسه‌ها، خانقاه‌ها و مساجد و مقابر رونق گرفت، آن چنان که از میرزا مؤمن، منشی دربار شیبانیان نقل شده، حدود ده هزار بنا در دوره عبدالله خان بنا گردیده است. [۱۷]

در آسیای مرکزی بیشتر ساختمان‌ها و عمارات، در شهر بخارا و برخی مراکز بزرگ مثل سمرقند ساخته شده‌اند. بدون مبالغه می‌توان گفت که سیمای بخارای اواخر قرون وسطی را، ابنیه قرن شانزدهم/دهم معین می‌کنند. بنابراین، مهمترین خصوصیات هنر معماری سده شانزدهم/دهم بیشتر در بناهای بخارا تجسم یافته‌اند. [۱۸] در اواخر سده شانزدهم/دهم عبدالله خان دوم، دیواری جدید در محدوده شهر بخارا ساخت که این دیوار نسبت به گذشته محدوده بیشتری را در بر می‌گرفت، [۱۸] در سمرقند، پل معروف شیبانی بر روی رودخانه زرافشان بنا گردید و مدرسه

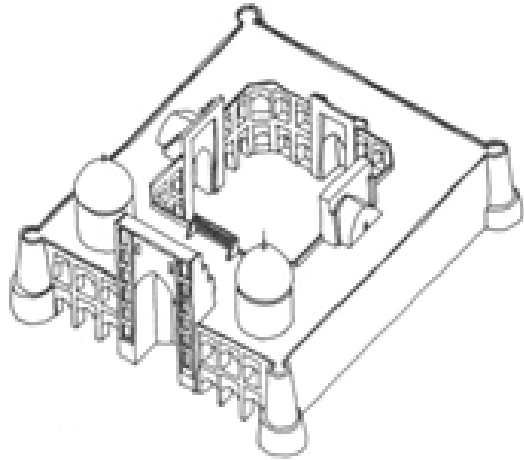
شیبانی خان در ابتدای قرن در سمرقند ساخته شد. هم چنین، مدرسه الغ بیگ در این شهر مورد تعمیر و مرمت قرار گرفت. در ساختمان‌ها و عمارت‌های سده شانزدهم/دهم آسیای مرکزی نوآوری‌هایی دیده می‌شود که این نوآوری‌ها بیشتر در طرح و نقشه گنبدها و قبه‌ها لحاظ گردیده و اندازه گنبد متناسب با حجم بنا می‌باشد. در این بناها گویی گنبدها بر فراز شبکه هندسی پیچیده آویزهای سبکبال و مقرنس کاری‌های مرتب شناورند. [۱۶]

از ویژگی‌های بارز معماری این دوره، استفاده از مواد ارزان و کم زحمت مثل گچ و خشت می‌باشد. ماده اساسی تزئینات داخلی را، گچ سفید و رنگ تشکیل داده و نحوه استفاده از آن‌ها، گوناگون و به شیوه هنری بوده است. بدین وسیله معماران شاهکارهایی عظیم را در گنبدها خلق کرده‌اند.

ترکیب و آمیزش شیوه‌های سنتی و نوین، ویژه ساخت مساجد و مدارس بوده، اما در بناهای عمومی تمایل و علاقه‌مندی بر ساختمان‌هایی نوین بوده است. در بناهای سده شانزدهم/دهم از جهت نقشه‌کشی و طرح‌ریزی، نوآوری‌های جالبی به چشم می‌خورد؛ خصوصاً گنبدها و قبه‌ها، بسیار زیبا و متناسب ساخته شده و با حجم و اندازه بنا، کاملاً هماهنگی دارند. در طراحی ساختمان‌ها نیز از قالب سنتی دور نشده‌اند. از این دوران چند نقشه از عمارت‌های گوناگون به دست آمده که در میان آن‌ها طرح و نقشه چند خانقاه نیز به چشم می‌خورد. بنای یکی از این خانقاه‌ها که متعلق به اواخر سده شانزدهم/دهم در فیضآباد، حوالی بخارا قرار دارد، از لحاظ طرح و حجم کاملاً جدید می‌باشد؛ در دو طرف پیشروی عمارت، ایوان‌های دراز قبه‌دار بنا شده‌اند که در شرایط و اقلیم گرم آسیای میانه وظیفه حفاظت از باد‌های گرم را ایفا می‌کردند. [۱۹]

نمونه دیگری از آثار معماری سده شانزدهم/دهم، مدرسه است. در این دوره، مدارس جدیدی نیز ساخته شده که هم اکنون به عنوان یادگارهایی از سده شانزدهم/دهم برجای مانده‌اند. نقشه مدرسه مدت‌ها قبل به وجود آمده و رسمیت پیدا کرده بود. بعضی مدارس سده شانزدهم/دهم نیز به طور کلی چیزی بیش از تکرار همان نقشه معماری قبل نبودند، ولی طرح برخی مدارس با نقشه سنتی، تفاوت جدی داشته و معماران بر تعداد حجره‌ها افزوده‌اند؛ از این نظر مدرسه میرعرب مورخ ۱۵۳۶/۱۵۳۵ و مدرسه عبدالله خان در بخارا جالب توجه می‌باشند.

مدرسه میرعرب شهر بخارا که به نام مؤسس آن، سید میرعبدالله عارف که به میرعرب شهرت داشت، خوانده می‌شود، ۱۱ در میدان این شهرستان، خیابان خواجه نورآباد واقع شده است. (تصویر ۱)



تصویر ۱- مدرسه میرعرب، بخارا، اسکیس منظره بعدی [۲۰]

این مدرسه دارای دو گنبد مشهور است که آن را از سایر آثار تاریخی شهر بخارا متمایز می‌سازد و شامل صحنی محاط بر ایوان‌ها و دواشکوب از اتاق است. سه پهلوی بنا خالی از تزیین است اما نمای اصلی که زمانی آن را با کاشی معرق چند رنگ و نفیس پوشانده بودند، مشتمل بر ایوانی مرکزی است که در کنارش طاقگان‌ها قرار گرفته است. [۱۸] در این مدرسه برای مشخص کردن گوشه‌ها از مناره استفاده شده است. [۲۰] هم چنین، مدرسه دارای دو طبقه و ۱۱۴ اتاق به تعداد سوره‌های قرآن کریم می‌باشد.

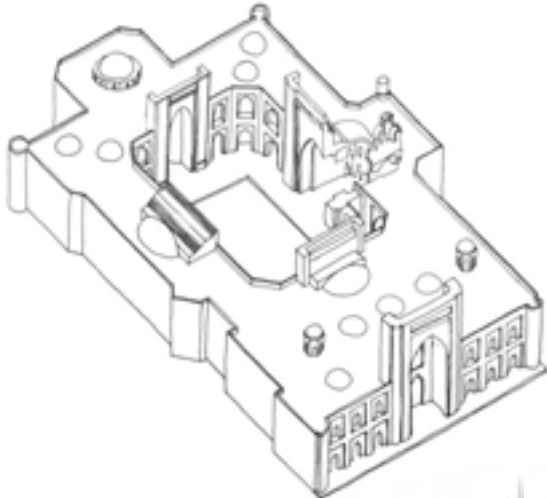
(تصویر ۲) در سمت چپ ورودی مدرسه، مزار شیخ



تصویر ۲- مدرسه میرعرب، بخارا [۲۱]

عبدالله (میرعرب) و امیرعبدالله خان قرار دارد.

طرح مدرسه عبدالله خان از لحاظ طرح و نقشه سنتی با مدارس آن زمان متفاوت بوده و با شرایط آب و هوایی گرم آسیای مرکزی و بادهای آن موافقت دارد. (تصویر ۳)



تصویر ۳- مدرسه عبدالله خان، بخارا، اسکیس منظره بعدی [۲۰]

مسجد کلان، مسجد بلند، مسجد حاجی زین الدین، مقبره سیونجی خان تاشکند،^{۱۲} مدرسه عبداللطیف سلطان (کوک گنبد) در شهر اوراتپه در تاجیکستان امروزی از عمارت‌های جدید این دوره‌اند که از لحاظ نقش و نگار، بسیار مجلل بوده و با سفال‌های مینا کاری و خاتم‌کاری‌های نفیس و نقاشی‌های زیبا آراسته شده‌اند.

تکامل تدریجی تزیینات و نقش و نگار پیش‌طاق‌ها و دیوارهای اصلی بناها نیز در آسیای میانه سده شانزدهم/دهم بسیار جالب‌اند. در هنر معماری نیمه اول قرن شانزدهم/دهم، سنت‌های عهد تیموری هنوز ادامه داشته و در مراحل نوین رشد خود به سر می‌برده است. در این دوران، تزیینات خاتم‌کاری گرانبها و پرزحمت به صورت گسترده‌ای به کار رفته است. خشت‌های کاشی، همانند سده پانزدهم/نهم با نقوش زیبا و رنگ‌های متناسب آبی، سفید و نیلی، اساس آرایش بناها به شمار می‌رفتند و سفال‌های مینا کاری شده پایین دیوارها با نقشبندی‌های نفیس زرین‌زمین می‌شدند. نقش‌های برجسته زراندود نیلی بسیار نفیس و زیبا نقاشی شده‌اند. چنین طریقه تزیین بناها در برخی آثار معماری به جای مانده از قبیل مسجد کلان، مدرسه میرعرب، مسجد بلند و مسجد حاجی زین الدین، مقبره سیونجی خان تاشکند و مدرسه عبداللطیف سلطان (کوکگنبد) در اوراتپه نیز به چشم می‌خورند؛ مخصوصاً مسجد بلند و مسجد حاج زین الدین با نقش و نگارهای بینهایت زیبا و مجلل خود، ناظرین را به حیرت می‌آورند. به طور مثال، دیوارهای

مسجد بلند با تصاویر رنگارنگ آراسته گردیده‌اند. در اینجا سفال‌های میناکاری با نقوش زرین زینت یافته و خاتم‌کاری‌هایی نفیس را می‌توان دید. در مسجد حاج زین الدین نیز که متعلق به سده شانزدهم/دهم می‌باشد، موزائیک‌های قدیمی و نقوش تزئینی زیبایی مشاهده می‌گردد. (تصویر ۴)



تصویر ۴- مسجد حاج زین الدین [۲۱]

در نیمه دوم سده شانزدهم/دهم نمای ظاهری عمارت‌های باشکوه تغییر می‌یابد و از مواد و وسایل نسبتاً ارزان و کم‌زحمت تزئینی استفاده می‌شود؛ اما از این موضوع نباید این گونه نتیجه‌گیری کرد که در هنر معماری، تنزلی رخ داده باشد بلکه هنرمندان چیره‌دست با ارزانتترین مواد و وسایل، شاهکارهای حیرت‌انگیزی به وجود آوردند. از جمله این شاهکارها، گنبدهایی است که در نتیجه چیدن خشت‌ها به شکل کاج، صورت زیبایی به خود گرفته و در نظر بیننده به صورت یک ستاره زیبای مشعشع نمودار می‌گردند. ماده اساسی تزئینات داخلی بناها را گچ سفید و رنگ تشکیل می‌داد که سبک استفاده از آن گوناگون بود. بعضاً گچ را دو بار به دیوار می‌مالیدند؛ دفعه اول گچ رنگی و بار دوم گچ سفید. سپس بر روی گچ سفید، نقوش مورد نظر را حکاکی می‌کردند. در دیگر موارد، اول به دیوار گچ سفید مالیده، آن را با نقوش مختلف تزئین می‌کردند و بعد از آن، گچ رنگی را به شکل نقش‌های حکاکی شده، روکش می‌کردند. بهترین نمونه‌های این گونه تزئینات ارزان ولی بسیار زیبا را می‌توان در خانقاه‌های فیض‌آباد و بهاء‌الدین در حوالی بخارا مشاهده نمود.

در آسیای میانه در سده شانزدهم/دهم، هم عماراتی مستقل و باشکوه و هم بناهایی جامع بنا شده‌اند که بعضی از آن‌ها از قبیل مسجد کلان (تصویر ۵) و مدرسه میرعرب از بزرگترین مجموعه‌های معماری آسیای میانه به شمار می‌روند.



تصویر ۵- مسجد کلان، بخارا [۲۲]

مسجد کلان در مرکز بخارا، به همراه مناره کلان و مدرسه میرعرب، مجموعه‌ای شکوهمند را پدید آورده‌اند که بدان پای منار گفته می‌شود. در چهار طرف حیاط بزرگ چهارگوشه مسجد کلان، ایوان‌هایی عظیم ساخته شده که بالای آن را با سبک گنبد پوشانیده‌اند. این گنبدها بر ستون‌های مربع استوارند. مدخل اصلی مسجد به سمت خیابان واقع گردیده و ساختمان آن در پیشگاه حیاط جای گرفته است. این مسجد دارای گنبدآبی رنگ دو پوسته و بسیار زیبا می‌باشد که بر پایه استوان‌های مرتفعی قرار گرفته است. [۲۲] مدرسه میرعرب که روی صفا بلندی بنا یافته، در مقابل مسجد کلان قرار دارد و نسبتاً کوچکتر می‌باشد ولی بین مدرسه و مسجد، از جهت طرح و ساخت، تناسب کامل و ماهرانه‌ای دیده می‌شود.

مجموعه معماری چاربکر^{۱۳} که در حوالی بخارا واقع است، از این دو بنا بزرگتر می‌باشد. (تصویر ۶) این مجموعه، ترکیبی از سه عمارت باشکوه می‌باشد که روی یک صفا بنا گردیده و خانقاه، مسجد و ایوان متصل به آن‌ها که از دو طرف آن در دو طبقه حجره‌هایی واقع گردیده است. در این مجموعه، حیاط‌هایی کوچک نیز قرار دارند که در آن‌ها، دخمه‌های خانوادگی با تعداد زیادی سنگ قبر به چشم می‌خورند.^{۱۴}

لوحه‌ها و سنگ قبرها بر مهارت استادان کنده کار بر چوب و سنگ گواهی می‌دهند. [۱۶]

۳. آسیای مرکزی سده هفدهم/ یازدهم

۳-۱. مطالعه اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آسیای مرکزی در سده هفدهم/ یازدهم

آغاز سده هفدهم/ یازدهم در آسیای مرکزی با کشمکش‌های حاکمان محلی و درگیری برای به دست آوردن قدرت شروع شد. قزاق‌ها و دولت‌خانی خیوه و نیز صفویان، در جهت تصرف این سرزمین به رقابت پرداختند. جانی محمدسلطان داماد عبدالله خان دوم شیبانی که از نوادگان چنگیزخان و در نزد شیبانیان بود، با کمک اعیان و اشراف در سال ۱۰۰۸/۱۵۹۹ بر تخت نشست و پس از آن پسرش، باقی محمد به سلطنت رسید. در سال ۱۰۱۴/۱۶۰۵ باقی محمد وفات کرد و برادرش ولی محمد (۱۶۱۱-۱۰۲۰/۱۶۰۵-۱۰۱۴) حکمران گردید.

حکومتی که جانی‌بیک و پسران و نوادگان او تشکیل دادند، به حکومت هشترخانی (اشترخانی) شهرت یافت. اشترخانیان در اواسط سده هجدهم/ دوازدهم به پایان خویش رسیدند. روابط اشترخانیان و صفویان نیز فرود و نشیب‌های فراوانی داشت.^{۱۸} شاه عباس صفوی پس از برقراری آرامش در ایران، به مرزهای شمال شرقی شتافت و هرات را تصرف نمود. پس از اینکه مخالفان محمدولی خان او را از حکومت خلع نمودند و امام قلی را به جای وی به امیری نشانند، محمدولی خان مجبور شد به ایران پناهنده گردد و شاه عباس از اختلاف میان فرزندان خاندان اشترخانی بهره برد و به بهترین وجه از این پناهنده ازبک استقبال کرد. روابط اشترخانیان با دوست بابرین هند نیز آشتی‌جویانه و صلح‌طلبانه بود و سفرای آن‌ها با هدایای گوناگون و گران قیمت به دربار یکدیگر اعزام می‌شدند.

از اطلاعات ما از سده هفدهم/ یازدهم آسیای مرکزی، این گونه استنباط می‌گردد که دولت اشترخانیان نتوانسته یک حکومت مرکزی قدرتمند در ماوراءالنهر تشکیل دهد. حتی می‌توان گفت، اشترخانیان دو پایتخت داشتند: یکی بخارا بود و دیگری بلخ و خان اشترخانی در بخارا به سرمایه برد و ولیعهد وی در بلخ. بلخ و بدخشان در حقیقت یک حکومت مجزا و مستقل داشته‌اند. پراکندگی سیاسی، جنگ‌های مداوم داخلی و خارجی و بی‌کفایتی امیران اشترخانی موجب شد، اوضاع اقتصادی و اجتماعی مردمان منطقه نسبت به دوره قبل وخیم‌تر گردد.



تصویر ۶- مجموعه چاریکر، بخارا [۲۳]

ولایت حصار نیز از یادگاری‌های غنی معماری است. حصار در قرون پانزدهم و شانزدهم/ نهم و دهم به اوج رشد و رونق خویش رسیده بود. در این دوره، حدود آن وسعت پیدا کرده و جنوب تاجیکستان، جنوب ازبکستان، ولایات شمال افغانستان یعنی بلخ، شبرغان، کندز و بدخشان را در برمی‌گرفت.^{۱۵} این مجموعه شامل قلعه حصار، مدرسه کهنه و مزار مخدوم اعظم است که بناهای آن، گواه هنر والای معماری آن دوران می‌باشند. [۲۴]

ساختمان بناهای عمومی با مساجد و مدرسه‌ها فرق می‌کرد. در چهارراه بعضی خیابان‌ها، ساختمان‌هایی چارسو ساخته شده بود و در طول خیابان، طاق‌ها و کاروانسراهایی ایجاد می‌کردند. مجموع چنین بناهایی موجب گردید میادین، خیابان‌ها و چهارراه‌ها شکل معینی به خود بگیرند که این امر، از هنر شهرسازی این دوران حکایت دارد. بزرگترین این قبیل مجموعه‌های شهرسازی، در دو محل به وجود آمده بود: یکی در ریگستان که اکنون اثری از آن باقی نمانده^{۱۶} و دیگری در تقاطع دو خیابان باستانی شهرستان بخارا که به سمت شمال بیرون محدوده شهر ادامه می‌یابد و از آن، تنها سه چهارسوی (چهار بازار) و طاق عبدالله خان محفوظ مانده است.^{۱۷}

برای اینکه تصور روشن‌تری از هنر سده شانزدهم/ دهم در آسیای میانه ارایه شود، باید از دست‌آوردهای استادان چیره دست در هنرهایی چون حکاکی سنگ و چوب در این عصر نام برد. سنگ‌های متعدد روی قبر در مجموع عمارت نام برده چاریکر از نمونه‌های برجسته هنر حکاکی آن دوره محسوب می‌شوند. این سنگ‌ها با کتیبه و نقوش متفاوت مزین بوده است. بعضی سنگ قبرها نیز شکل کوچکی از مقابر قبه‌دار را گرفته‌اند. بهترین نوع هنر حکاکی روی چوب نیز در سقف مسجد بلند و برخی دیگر از مدرسه‌ها قابل مشاهده است. درها، سقف‌ها، ستون‌ها،

در چنین اوضاع وخیم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، فرهنگ زمینه مناسبی برای رشد و ترقی نیافت و به نظر می‌رسد که چراغ علم و دانش نیز باید خاموش شده باشد؛ اما منابع تاریخی خلاف آن را نشان می‌دهد.^{۱۹} در سده هفدهم/ یازدهم علاوه بر علوم دینی، علوم دیگری چون علم هیئت، نجوم، هندسه، جبروشیمی و همچنین علم طب در نزد دانشمندان رواج داشته و حتی یکی از امیران اشترخانی یعنی سبحان‌قلی خان، علم طب را به خوبی می‌دانسته و کتابی به زبان ترکی از یکی در این زمینه نوشته است.^{۲۰}

۲-۳ مطالعه نمونه‌های مورد بحث در معماری سده هفدهم/ یازدهم در آسیای مرکزی

اوضاع هنری، معماری و ساختمان سازی در سده هفدهم/ یازدهم از اوضاع اقتصادی بهتر نبوده است؛ اگرچه هنوز مجموعه‌های بزرگی ساخته می‌شدند اما از پیشرفت و ترقی در بنا سازی که مشخصه بخارا در نیمه دوم قرن شانزدهم/ دهم بود، کاسته شد. [۱۸]

ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی سده هفدهم/ یازدهم در معماری نیز آثار مشخصی گذاشت. نفوذ قدرت و ثروت طبقه‌های والامقام طایفه‌های ازبک، به خصوص امیران، به تدریج افزون‌تر گردید. گاه شهرها و ولایات تماماً و عملاً در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت و مبالغ مورد نیاز جهت ساختمان سازی در دست همین امیران ازبک متمرکز بود و آن‌ها می‌خواستند به طریق سنتی یعنی با ساخت ابنیه، مشهور گردیده و نام خود را جاودانی سازند.

معروف‌ترین آن «مدرسه شیردار» بود که در بخش شرقی میدان ریگستان، رو به روی مدرسه الغ بیگ به عنوان تصویرآینه‌ای از این مدرسه، به امر یلنگتوش بی‌آلچین،^{۲۱} فرمانده نظامی و والی سمرقند با هنر معمار معروف آن دوران یعنی عبدالجبار، ساخته شد. [۲۷] (تصویر ۷) در پیش طاق



تصویر ۷- مدرسه شیردار رو به روی مدرسه الغ بیگ، میدان ریگستان، سمرقند [۲۸]

ورودی این مدرسه، تصویر شیرهایی درنده منعکس گردیده و به همین خاطر آن را «مدرسه شیردار» نامیده‌اند این بنا از لحاظ معماری به عمارت‌های دوره تیموری شباهت دارد و در سال ۱۶۳۵.۶/۱۰۴۶-۱۰۴۵ ساخته شده است. نمای مدرسه شیردار عیناً نسخه نمای مدرسه الغ بیگ است.^{۲۲} در مرکز آن سردر، در گوشه‌های آن مناره‌های بلند و از بین دروازه و مناره‌ها، گنبد‌های تیغه‌دار مشاهده می‌گردند که در بالای دو حجره بنا گردیده‌اند، اما در جزئیات طرح ساختمانی و تزیینات آن نوآوری‌های فراوانی مشاهده می‌شود.^{۲۳} هماهنگی در معماری این دوران به دلیل یک‌دستی ساختمان‌ها - هم چون کپی شدن مدرسه شیردار روی نمای مدرسه الغ بیگ در قرن هفدهم/ یازدهم- نیست، بلکه ناشی از برقراری تعادل بین احجام گوناگونی است که در عین حال متعلق به سبکی واحدند. [۲۲]

یلنگتوش بی، چندین عمارت دیگر نیز در ریگستان سمرقند بنا کرد که برخی از آن‌ها تا به امروز باقی است. از جمله آن‌ها، «مدرسه طلاکاری» است که در فاصله بین سال‌های ۱۰۵۶/۱۶۴۶ و ۱۰۷۱/۱۶۶۰ ساخته شده و به دلیل استفاده فراوان از طلا در آرایش آن، این بنا را طلاکاری نام نهادند. این بنا، عمارتی است که همزمان مدرسه و مسجد می‌باشد. در سه طرف حیاط، حجره‌ها و در طرف چهارم، مسجد واقع گردیده است. عمارت مرکزی گنبددار و دو ایوان دارای چندین گنبد نیز در همین قسمت می‌باشد. بنای مذکور دارای نمایی متقارن با مدخل هلالی است و در کنار آن مناره‌هایی قرار دارد. [۲۹]

یکی از یادگارهای معماری سده هفدهم/ یازدهم بخارا، مجموعه معماری حوض (استخر) بزرگ می‌باشد که با نام «لب حوض» مشهور است و شامل حوض، مدرسه و خانقاه کوچکی است که چندان متوازن و متناسب نیست و مؤسس آن، نظر دیوان بیگی آرلات از فرماندهان رتبه بالای سپاه بوده است. [۱۸] اولین عمارت این مجموعه، مدرسه کولتاش، در سده شانزدهم/ دهم بنا گردیده بود. در این بنا، یکی از ترکیب‌های رایج این دوران که شامل چهار حجره تو در تو بود به چشم می‌خورد که به راهرو باریکی راه داشتند و از گوشه‌ای پخ در حیاط به مناره خارجی منتهی می‌شدند. [۲۰] طی سده هفدهم/ یازدهم نظر دیوان بیگی، یکی از صاحب منصبان والامقام آن زمان دستور داد که حوض، مدرسه و خانقاه کوچکی بنا گردد.

چنین به نظر می‌رسد، این مجموعه معماری چندان متناسب و متوازی نیست و شکلی خاص به خود نگرفته است. ظاهراً نمای پرحشمت مدرسه سده شانزدهم/

معمار مدرسه الغ بیگ، اسماعیل بن طاهر بن محمود اصفهانی بود. در اطراف حیاط دو ایوانی مدرسه، رواق‌هایی دو طبقه قرار دارد که حجره‌هایی در آن‌ها تعبیه شده است.

جهات ساختمان دقیقاً بر جهات اصلی جغرافیایی منطبق است. روی نمای اصلی که مدخل ورودی در میان آن قرار دارد، طاقنماهای ستون داری در دو طبقه ساخته شده و دو برج کوچک گلدسته دار نیز در دو سوی آن قرار گرفته است [۲۲]. (تصویر ۱۰)

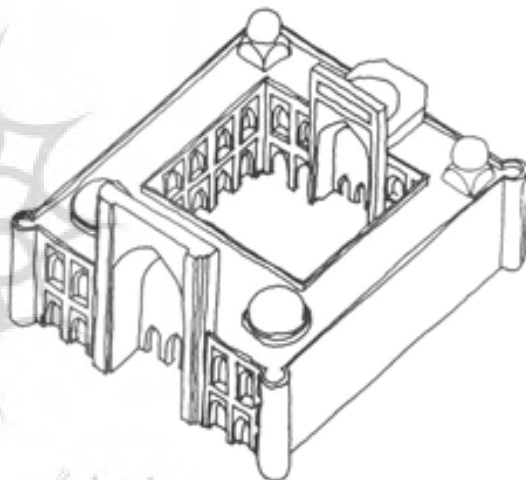


تصویر ۱۰- ایوان ورودی مدرسه الغ بیگ، بخارا [۳۰]

این دو بنا با هم شباهت‌هایی دارند، اما تفاوت‌های آن‌ها بیشتر است. تناسب نمای عمارت مدرسه الغ بیگ به حد کامل رسیده، تزیینات آن ساده و در عین حال نفیس است. اما در نمای مدرسه عبدالعزیزخان اثری از تناسب به نظر نمی‌رسد؛ ورودی آن بسیار طولانی و نمای جلوی عمارت، از ظرافت کافی برخوردار نیست ولی تزیینات این بنا، بسیار باشکوه و مجلل و حتی تا اندازه‌های پرزرق و برق می‌باشد. (تصویر ۱۱) از لحاظ معماری، سده هفدهم/یازدهم دوره رکورد و فترت است، فقط نقش و نگارها و تزیینات بناها قابل توجه می‌باشند، چرا که در تزیین آن‌ها از هنر خاتم‌کاری و کاشی‌کاری به طور وسیع استفاده شده است. معماران سده هفدهم/یازدهم، سبک تزیینات دو قرن پیشین را ادامه داده، بعضاً موفقیت‌هایی به دست آوردند؛ به خصوص دست‌آوردهای هنرمندان گچ‌کار متمایز بوده است. نقوش گچ‌کاری شده مدرسه عبدالعزیزخان از نمونه‌های بسیار نفیس این روزگار است که با پیچیدگی و ظرافت خود، هر بیننده‌ای را به شگفتی و آسودگی دارد. نقوش پریپیچ و خم و طیف رنگ‌ها که نسبت به

دهم که در ابتدای امر ساخته شده بود، مواجه میدان بوده است. در یک طرف این میدان، مدرسه کوچک ندیر دیوان بیگی و در طرف دیگر آن، لب حوض و در عقب لب حوض، خانقاه کوچکی موجود است. مدرسه و حوض با این خانقاه موازنه نداشتند و همچنین با مدرسه سده شانزدهم/دهم نیز متناسب نمی‌باشند. این مجموعه معماری از تناسب کافی محروم بوده و معمار در بنیاد آن هیچ‌گونه ذوق و سلیقه و یا مهارت و استعدادی به خرج نداده است.^{۲۴}

از دیگر مجموعه معماری‌های به جای مانده از سده هفدهم/یازدهم شهر بخارا که بسیار مهم و جالب می‌باشند، عبارتند از دو مدرسه که در مقابل یکدیگر واقع گردیده‌اند: یکی مدرسه الغ بیگ که در سده پانزدهم/نهم بنا گردیده (تصویر ۸) و دیگری مدرسه عبدالعزیزخان. (تصویر ۹)

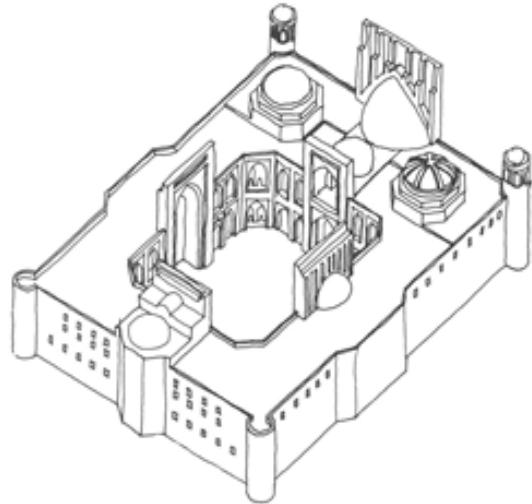


تصویر ۸- مدرسه الغ بیگ، بخارا، اسکس منظر سه بعدی [۲۰]

حجره‌هایی که در سده شانزدهم/دهم در مدرسه عبدالعزیزخان، روبروی مدرسه الغ بیگ ایجاد شده بود، امروزه به صورت مغازه‌های تجاری درآمده است. شایان ذکر است که تقابل ساختمان دو بنای یادبود از روش‌های تازه‌ای بود که معماران این دوره ابداع کردند. [۱۶]



تصویر ۹- مدرسه عبدالعزیزخان بخارا، اسکس منظر سه بعدی [۲۰]



تصویر ۱۱- تزیینات داخلی مدرسه عبدالعزیزخان، بخارا [۲۱]

قرون پانزدهم و شانزدهم / نهم و دهم به صورتی خشن تر درمی آمدند و استفاده فراوان از رنگ های زرد و سبز، این تزیینات را بیش از حد رنگین می نمودند. [۳۱] کاشی کاری نیز از عناصر مهم تزیین معماری باقی ماند، اگرچه که کیفیت آن به تدریج تنزل کرد. [۱۶] وضعیت دوره بعد در آسیای میانه به رشد معماری و هنر مساعدتی نکرد. نیمه اول سده هجدهم / دوازدهم دوره رکود اقتصادی، تشدید جنگ های داخلی، ویرانی شهرها و روستاها، شورش های مردمی، دوباره اوج گرفتن تاخت و تازها، هجوم طایفه های بادیه نشین و بیگانگان بود. در این هنگام، به خصوص نواحی مرکزی ماوراءالنهر و ولایت بلخ بیشتر خسارت دیدند؛ در نتیجه اهالی آن ها، به هر طرف فرار نموده و مراکز فرهنگی از قبیل بخارا و سمرقند خالی از سکنه گردیدند. طبیعی است که از این دوران آشفته و تیره، هیچگونه آثار مهم معماری و هنری باقی نمانده است.

نتیجه گیری

پژوهش انجام شده از نقطه نظر تاریخی و بر اساس ویژگی های بیرونی بناهای معماری اسلامی آسیای میانه، تحلیل خود را ارائه داد که نهایتاً مهرتایید بر چارچوب اصلی معماری اسلامی زد. به نظر می آید هنر و معماری در آسیای مرکزی، مرتبط با مسائل گوناگون، به ویژه علل مذهبی و سیاسی، مراحل توسعه و تکامل خود را طی کرده و یا به قهقرا رفته است اما در نهایت با ویژگی های خاص معماری و تفکری زمان خود قابل پیگیری و شناسایی است.

در دوره حکومت سلسله ازبک شیبانی در سده شانزدهم / دهم و اشترخانیان در سده هفدهم / یازدهم، کاهش تماس های سیاسی و اقتصادی آسیای مرکزی با خارج و

هم چنین، شدت کشمکش های داخلی در این منطقه منجر به بحران اجتماعی و رکود شهرسازی و معماری در این منطقه گردید، ولی به طور کل می توان چنین گفت که در نیمه دوم این سده شانزدهم / دهم، روند معماری و ساختمان سازی تقریباً بهبود یافته و ساخت ابنیه جدید خصوصاً احداث ساختمان های دولتی و فرهنگی و پلها، شاهراه ها و مسیرهای کاروان رو، سردابه ها، کاروانسراها، حمام ها و تجارت خانه ها، مدارس، خانقاه ها و مساجد و مقابر روندی رو به رشد پیدا کرد.

در آسیای مرکزی سده شانزدهم / دهم، بیشتر بناهای جدید در شهر بخارا و برخی مراکز هم چون سمرقند ساخته شده اند که از مهم ترین آن ها می توان به مدرسه معروف میرعرب و مدرسه عبدالله خان، دیوار جدید در محدوده شهر بخارا و مدرسه الغ بیگ، مدرسه شیبانی خان، پل معروف شیبانی بر روی رودخانه زرافشان در سمرقند اشاره کرد.

با بررسی ابنیه در آسیای مرکزی سده شانزدهم / دهم می توان چنین استنباط نمود که استفاده از روش های سنتی و نوین در کنار یکدیگر، بیشتر در ساخت مساجد و مدارس کاربرد داشته ولی در بناهای عمومی، بیشتر تمایل بر ساخت بناهایی نوین بوده است. هم چنین، در ساخت بناهای آسیای مرکزی این دوران، نوآوری هایی در طرح و نقشه گنبدها و قبه ها دیده می شود و به تناسب اندازه گنبد با حجم بنا بسیار دقت شده است.

تکامل تدریجی تزیینات نیز در آسیای میانه سده شانزدهم / دهم بسیار چشم گیر است. در هنر معماری نیمه اول قرن شانزدهم / دهم، سنت های عصر تیموری ادامه داشته است. در تزیینات بناها، از خاتم کاری و کاشی خشتی با نقوش متنوع و رنگ های متناسب آبی، سفید و نیلی که اساس آرایش در این دوران به شمار می رفتند، در زمینه هایی وسیع استفاده شده است. هم چنین، سفال های مینا کاری با نقش بندی های طلایی در تزیین بناهای این دوره، جایگاه ویژه ای داشته اند.

در نیمه دوم سده شانزدهم / دهم، تزیینات در ساختمان های مجلل تغییر یافته و از مواد نسبتاً ارزان و کم زحمت تزیینی مانند گچ سفید و رنگ استفاده شده است؛ اما تنزلی در هنر معماری مشاهده نمی گردد و هنرمندان با ارزانتترین مواد و وسایل، شاهکارهایی حیرت انگیز خلق نموده اند.

شایان ذکر است که در این زمان، مجموعه های معماری بزرگ و جامعی بنا شده اند که از میان آن ها می توان مسجد کلان و مدرسه میرعرب را نام برد. هم چنین،

در چهارراه بعضی خیابان‌ها، ساختمان‌هایی چارسو ساختند و در طول خیابان، طاق‌ها و کاروانسراهایی احداث نمودند. مجموع چنین بناهایی به میادین، خیابان‌ها و چهارراه‌ها شکل ویژه‌ای بخشید که این امر، هنر شهرسازی این دوران را نمایان می‌سازد.

در سده هفدهم/یازدهم، حجم انبوه بناسازی که مشخصه معماری بخارا در نیمه دوم سده شانزدهم/دهم بود، کاهش یافت اما هنوز شاهد احداث مجموعه‌های بزرگ هستیم. معماری این دوران، تحت نفوذ طایفه‌های والامقام ازبک قرار گرفت و ایشان که مبالغ هنگفتی جهت ساختمان‌سازی در دست داشتند، می‌خواستند با ساخت ابنیه، مشهور گردیده و نام خود را در تاریخ به ثبت برسانند. از این نمونه آثار می‌توان مدرسه شیردار در سمرقند را نام برد که از لحاظ معماری به بناهای دوره تیموری شباهت دارد، اما در جزئیات طرح ساختمانی و تزیینات آن نوآوری‌های فراوانی مشاهده می‌شود. مسجد مدرسه طلاکاری در ریگستان سمرقند، مجموعه لب حوض در بخارا، مدرسه الغ بیگ و مدرسه عبدالعزیزخان شهر بخارا که مقابل یکدیگر واقع گردیده‌اند، نیز از نمونه‌های بارز این عصر می‌باشند.

به طور کل، معماری سده هفدهم/یازدهم در آسیای میانه دچار رکورد گردید و فقط به تزیینات بناها توجه نشان داده شد که استفاده از هنر خاتم‌کاری و کاشی‌کاری در سطوح وسیع، خود گویای این امر است. معماران سده هفدهم/یازدهم، سبک تزیینات دو قرن پیشین را ادامه دادند و موفقیت‌هایی نیز در این زمینه به دست آوردند؛ به خصوص هنر گچ‌کاری که با پیچیدگی و ظرافت خود از دیگر آثار متمایز بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در دایره المعارف مصاحب در خصوص تیمور آمده است که وی روی هم رفته بیش از ۳۵ بار لشکرکشی کرد، تاج ۲۷ سلطان بر سر گذاشت و از دیوار چین تا مسکو و از دهلی تا آسیای صغیر را به تصرف خود درآورد. [۶]
۲. در نتیجه حسن توجه جانشینان تیمور، از جمله فرزندش شاهرخ میرزا، نوادگان هنرمند و دانشمند وی نظیر محقق بی بدیل، بایسنقر میرزا و الغ بیگ منجم و اندیشمند دوران، هم چنین بزرگانی دیگر از خاندان تیموری در توران و ایران زمین، شالوده‌های گسترده و باارزش آثار معماری خلق می‌شود. [۷]
۳. زکی محمد حسن بیشتر آثار در سده پانزدهم/نهم را منسوب به هرات و هرات را مهم‌ترین مرکز فنی ایران می‌داند و امتیاز مکتب هرات را در اهتمام هنرمندان به تطور و تجدد و به ظهور بعضی نقاشان مستعد می‌داند که ذوق و قریحه فنی ذاتی خاصی داشته‌اند. [۸]
۴. شیبانی به کسر شین و سکون نون.

۵. در پایان قرن پانزدهم میلادی محمد شیبانی حکومت آخرین شاه تیموری را نابود کرد و شیبانی‌ها (ازبک‌ها) در قرن شانزدهم بر آسیای مرکزی حاکم شدند {...} شاه عباس صفوی در ۱۶۰۰ میلادی برای حفظ ایالات شرقی از حملات ازبکان، قاجارهای شیعه را در اطراف رود گرگان اسکان داد و ۱۵ هزار کرد کرمانجی را در اطراف کوه‌های قوچان در پنج ولایت کرد نشین در امتداد مرزها از استرآباد تا چناران ساکن نمود. [۱۱]

۶. اختلافات مذهبی شیبانیان با صفویان در اوج خود قرار داشت، این موضوع از نوشته‌های فضل‌الله بن روزبهان اصفهانی در کتاب «مهمان نامه بخارا» کاملاً مشهود است. او می‌گوید: «فتح طایفه بزرگ قزل برک [صفویان] و دشمنی با ایشان و مقاتله با مردم ایشان بسیار فاضل تر است از غزا با کفار فرنج [اروپا] که هیچ تردید در کفر ایشان نیست... اتفاق علمای روم و حرمین است با این فقیر در آنکه فتوی داده‌ام که طایفه کلاه سرخ بدتر از کفار فرنجند و مقاتله با ایشان افضل از مجاهده با کفار فرنج زیرا که اول غزای فرنگ است...» [۱۲]

۷. آنچه به نام طریقت نقشبندیه مرسوم شد، اساساً شعبه‌ای از تصوف خراسان بود که از نیمه سده دوازدهم/ششم با توجه به تعالیم خواجه یوسف همدانی به عنوان طریقت خواجگان شکل گرفت و چون خواجه بهاء‌الدین محمد نقشبند در نقش محیی و مصلح این طریقت، در اوایل تیموری به تقویت آن پرداخت، از آن پس به طریقت نقشبندیه مرسوم شد. (در باره اقوال مختلف راجع به تسمیه کلمه نقشبند، رک. به: [۱۳])

۸. پیروان نجم‌الدین کبری (مقتول 618/1221) که ذکر خفی را معمول داشتند. جهت اطلاع بیشتر برای آشنایی از احوال صوفیه، تاریخچه آن‌ها و پیدایش و علل آن رک. به: [۱۴]

۹. عمده مواردی که در مدارس این دوره بخارا، سمرقند، تاشکند و غیره تدریس می‌شد، مربوط به صرف و نحو عربی، تفسیر قرآن و مسائل مربوط به علم دین مثل وقف، ارث، ازدواج، و غیره بوده است.

۱۰. عبدالله خان دوم از مشهورترین خانان ازبک و از پادشاهان کشورگشا و مملکتدار این طایفه به شمار می‌رود. [۱۵]

۱۱. مدرسه، پاسخی به نیازهای مخصوص جامعه مسلمانان محسوب می‌گشته و عموماً بنایی سفارشی بوده است. [۲۰]

۱۲. پایتخت ازبکستان امروزی

۱۳. مجموعه‌های معماری از جالب‌ترین ابتکارات قرن پانزدهم/نهم هستند و بیشتر در شهرهای بزرگی که حائز امکانات فراوان برای طراحی و اجرای پلان‌های عظیم بودند، ساخته می‌شدند. [۲۰]

۱۴. در مورد بناهای یادبود لازم به توضیح است که این گونه عمارات از طرح چندان موکدی پیروی نمی‌کردند، هم‌چنان که در مورد مجتمع چاربکر چنین مشاهده می‌شود. [۱۶]

۱۵. شکل حصار معمولاً چهارگوش است اما در چند شهر از جمله سمرقند، حصار با نقشه باقی مانده از قرون وسطی منطبق است. [۲۲]

۱۶. مجموعه میدان ریگستان در سمرقند به فرمان الغ بیگ ساخته شد. ریگستان نمونه‌ای درخشان از مجموعه معماری شهری است که بناهایی با کاربردهای گوناگون مذهبی و مدنی را در اطراف یک میدان مرکزی شکل داده است. احداث این مجموعه در سال ۱۴۱۷/۸۲۰ آغاز شد و حدود دو قرن طبق همان پلان اولیه ادامه یافت. امروزه از آن همه، فقط مدرسه الغ بیگ باقی مانده که بسیار نیز آسیب دیده است. [۲۲]

- 6- Mosaheb, Gholamhossein (1966). The Persian Encyclopedia, Tehran, Frankline-Amir kabir, : (252)
- 7- Zomorshidi, Hossein (2010). Decoration and Architectural Motifs in Iran and Turan, Ganjineh (Vol3), Tehran, Farhangestan Honar, : (39-38)
- 8- Hasan, Zaki Muhammad (1984). Iranian Crafts in islamic period, Tr Mohammad ali Khalili, Teran, Eghbal, : (104)
- 9- Browne, k Edward Granville (1966). A literary history of Persia, Tr Rashid Yasemi, Vol(4), Tehran, Ebne sina. : (17)
- 10- Eghbal ashtiani & Bagher Agheli (2001). History of Persia in Islamic period, Tehran, Namak, : (-581, 574-573, 556-555, 582, 582)
- 11- Curzon, GN (1892). Persia and the Persian Question, London, : (98)
- 12- Khonji, Fazlollah ibn Ruzbehan (1976). Mehman -name-ye bokhara Tehran, Bongah-e Tarjome va Nashre Ketab, : (45-44)
- 13- Vaez Kashafi, Fakhaldin Ali ebn Hossein (1978). Rashahat Eynol Hayat Vol(1), Tr Aliasghare Moeenian, Bonyad Nikookari Nooriani, : (39-37)
- 14- Dehbashi, Mehdi . Mir-Bagheri, Ali –Asghar (2005). The History of Mysticism, Tehran, Samt.
- 15- Viatkin, V.L & Shoyokh Jooybari (1927). Articles Collection, Tashkent, : (15)
- 16- Pugachenkova, Galina Anatolevna. Khakimov Akbar (1993). The art of central Asia, Tr Nahid Karim Zandi, Tehran, Veza-rate Farhang va Ershad Eslami, : (Introduction, 3,4,4,3,4,3,3)
- 17- Motrebi Samarghandi, Soltan Mohammad (1998). The Original Version of jahangir, Qom, Ayatollah Marashi Library, : (610, 124-123)
- 18- Blair, Sheila S, (1996). art and architecture in central Asia in Uzbeks Period, Tr

۱۷. چهارسونوعی بازار خرده فروشی بود که فضای گنبدداری در وسط داشت. این فضا را کوچه‌ها و دکان‌های طاقبندی شده در میان می‌گرفت. [۱۸]

۱۸. ر. ک. به: [۲۵]

۱۹. مطابق منابع این دوره، از جمله تذکره ملیحاً سمرقندی، معلوم می‌شود که علم و دانش در این دوره در آسیای مرکزی رواج داشته و عده‌ای از دانشمندان به تألیف و تصنیف آثار علمی و یا به تدریس آن علوم در مدارس مشغول بودند. در تذکره ملیحاً سمرقندی نام تعدادی از دانشمندی که در نیمه دوم سده هفدهم / یازدهم به کار ادبی نیز مشغول بودند؛ آمده است. [۱۷]

۲۰. آرمینوس و امبری خاورشناس مجارستانی در سده نوزدهم / سیزدهم به نسخه خطی آن در شهر هرات دست یافته و گزارشی از آن را در اثر خود یعنی «تاریخ بخارا» نقل کرده است. [۲۶]

۲۱. یالانقوتش شیبانی، فرزند فتحعلی خان جلایر، متوفی ۱۸۳۴ / ۱۲۵۰

۲۲. نمای مدرسه الغ بیگ در سمرقند مزین به یک سردر رفیع و چهار مناره شکیل در چهار گوشه آن است و تمامی سطح این بنا با کاشی مزین شده است. [۱۶]

۲۳. مساجد و مدارس این دوران چنان به یکدیگر شبیه شدند که تفاوت میان آن‌ها، دست کم از لحاظ نمای خارجی و داخلی، بسیار ناچیز گردید. در مدرسه الغ بیگ سمرقند (۱۴۲۰-۱۴۱۷/۸۲۳-۸۲۰) مسجد، تمامی سمت قبله مقابل ایوان رابه خود اختصاص می‌داد. [۲۰]

۲۴. معماران این دوره، در عین پیروی از الگوهای مجتمع‌های اعصار پیشین، روش‌های تازه‌ای در شهرسازی ابداع کردند که محصور ساختن یک فضای باز در میان سه عمارت، هم چون مجموعه لب حوض در بخارا که در آن چند بنا میدانی را که یک آب انبار در مرکز آن جا دارد محصور کرده‌اند، از این دست می‌باشد. [۱۶]

فهرست منابع

- 1- Mahdavinejad, Mohammadjavad (2004). Wisdom of Islamic Architecture: Recognition of Iranian Islamic Architecture Principles, HONAR-HA-YE-ZIBA, : (66-57 (19 63, 58))
- 2- Falamaki, Mohammad Mansour (1992). Development of Architecture in Iran and West Experiences, Tehran, Faza, : (24)
- 3- Mahdavinejad, Mohammadjavad (2003). Islamic Art, Challenges with New Horizons and Contemporary Beliefs, HONAR-HA-YE-ZIBA, (29) : (32-23 (12)
- 4- Ettinghausen, Richard. Grabar, Oleg (2007). Islamic Art And Architecture, Tr Dr Yaqub Ajand, Tehran, : (4)
- 5- Hillenbrand, Robert (2001) Islamic Architecture: from Function, and Meaning, Translate by Dr. Ayat Allahzadeh Shirazi, Tehran, Rozaneh. : (31)

- 29- O'Kane, Bernard (1997). Mosques in Iran and Central Asia, Tr Abdollah Baradaran, Faslnameh Honar. :(152,142-124)
- 30- Chuvin, Pierre & Degeorge, Gerard (2001). Samarcande, Boukhara.Khiva, Flammari- on, Paris.: (47)
- 31- Pugachenkova, Galina Anatolevna. Rempel, L. E,(1965). Ozbekistan Art History, Moscow.: (361-360)
- Ardeshir Eshraghi, Iran Shenakht No,(14 102,103,104,108,108):)
- 19- Pugachenkova, Galina Anatolevna. (1962). Notes Architecture and Art of Uzbekistan, Articles Collection, Tashkent, : (210-194)
- 20- Hillenbrand, Robert(1998). Islamic architecture: form, function, and meaning, Tr Iraj Etesam, Tehran, Sherkat-e Pardazesh va Barname Rizi Shahri, : (,289 ,290 ,214 291,89,288,292,290,290)
- 21- Iraida Borodina Traslated by Arthur Shkarovsky-Raffe, (1987). Central Asia: Gems of 9th19-th Century Architecture Moscow, Planeta Publishers. : (123,122,139)
- 22-Pugachenkova, Galina Anatolevna,(2008). Chefs - d'auvre d'architecture, de l'ASIE CENTRAL, Tr Davood Tabae, Tehran, Fahangestan honar, : (,19 90,219,218,3,91,175)
- 23- Hill, Derek & Grabar, Oleg (2007). Islamic Architecture and its decoration A. D. -800 1500, Tehran, Elmi Farhangi. : (25)
- 24- David vich, E.A. Mokhtarof,A.M (1969). Safehat History of Hesar, Doshnbe. : (25)
- 25- Monshi, Mohammad Yusof,(2001). Tazkere ye Moqimxani-historical cultural and social course of ...events, Tr Fereshte Sarafan,Tehran, Miras-e Maktoob.
- 26- Vambery, Armin (2001). History of Bukhara: from the earliest times to the present, Tr Mohammad Rohani, Tehran, Soroush, : (335)
- 27- Amir Ahmadian, Bahram (2006). Samarghand, Institute of Iran and Eurasia Status (IRAS), Vol(2) Winter.: (87)
- 28- Blair, Sheila S. Bloom, Janathan M (2003). Islamic art and architecture in Iran and central Asia, Tr Mohammad Moosa Hashemi Golpayegani, Tehran, Vezarate Farhang va Ershad Eslami.: (69)



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی